

اعترافی به جهان

حمید نشاط



۱۳۹۴

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

موضوع

شماره کتابشناسی ملی

نشاط، حمید، ۱۳۷۰ -

اعترافی به جهان/حمید نشاط.

گرگان: بافر، ۱۳۹۴.

۱۰۸ ص.

978-600-7583-25-8

فیبای مختصر

شعر فارسی -- قرن ۱۴

۳۸۴۳۲۵۸



انتشارات بافر

اعترافی به جهان

حمید نشاط

• تولید فرهنگی، فنی و هنری: کارگاه نشر بافر

• اجرای جلد: زینب عرفانی‌نیا

• شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۸۳-۲۵-۸

• نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

• تولید چاپی: پارس

• شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

• تمام حقوق چاپ و نشر این اثر برای مولف محفوظ است.

گرگان - صندوق پستی ۱۱۳۳ - ۴۹۱۷۵ تلفن: ۳۲۲۲۳۱۶ - ۰۱۷

www.publishing.bafar.ir

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	تاریخ
۲۲	روی کاناپه دراز کشیده‌ام
۲۸	آدم
۳۱	جادو
۳۴	حاشیه نویسی
۳۶	برای تمامی
۳۸	تالاب
۴۰	پرنده
۴۳	دمی به خمره می‌زند
۴۵	گت
۴۷	آرام
۴۹	پشت
۵۱	پوست
۵۳	تنگه

۵۵	حدیث
۵۷	حرکت
۵۹	گذر
۶۱	گردش
۶۳	پا
۶۵	در باب عریانی
۶۷	خاموشی
۶۹	راه می افتم
۷۱	درخت گردو
۷۳	دریا
۷۵	یک روز معمولی
۸۱	وَرِش
۸۴	روبه‌رو
۸۶	روزنه
۸۸	کلاغ
۹۰	هاله‌ی قرمز
۹۲	صددا
۹۵	سوسن
۹۷	رَر
۹۹	*
۱۰۱	کودک
۱۰۳	ناقوس چوبی
۱۰۶	هنگام

مقدمه

οὐκ ἔστι ἔστιν ἢ ἡ δὲ κρίσις περὶ τούτων ἐν τῷδ' ἔστιν

لیک آنچه اینها بر آن متمرکز است: آنچه هست یا آنچه نیست.

پارمنیدس

حدیثی ژرف از جان عالم: سرایشی در بودن! چگونه می‌توان از جانِ
عالم هستی باخبر شد؟ چگونه می‌توان آن را به "منصه" آورد؟ : با از

هستنده‌ها جان آشنا بودن، این پاسخ راهی برمی‌گشاید سهل و ممتنع؛ راهی مانوس و درعین حال دست‌نایاب، هستی را دیدن با آنکه خود هستنده‌ای هستیم در متن هستی کاری می‌نماید بسان دیدن پلک چشم هنگام که چشم فرومی‌بندیم:

"یا حبیبی اطبق جفنیک و انظر ماذا تری. فان قلت «لا اری حینئذ شیئا» فهو خطأ منك! بلی تبصر، لكن «ظلام الوجود» لفرط قربه من بصیرتک، لاتجده.

... و طریق تنقیضه، و الابعاد منه قليلاً: المجاهدة. (فوائد الجمال و فوائد الجلال: ۱۲۲)

دوست من پلک‌هایت را بر هم آر و بنگر که چه می‌بینی. گویی «کنون هیچ نمی‌بینم» همانا خطایی ست از جانب تو! بلکه تو می‌بینی اما (از آنجاکه) تاریکی‌ای هستی در شدت نزدیکی‌اش با چشمان توست، آن را نمی‌یابی. ... و راه‌رهایی (از این وضع)، و دوری از آن بسیار کم و عبارت است از «مجاهده با هم‌کوشی».

بلی راه نزدیک و وصول دشوار است. تنها یک‌راه برای به جان عالم راه یافتن وجود دارد و آن مجاهده است. حال پرسش این است که چه کسانی به‌سانی عملی دست به این مجاهده‌ی جان‌فرسا می‌زنند: شاعران!

ایشان با اخلاقی عملی ویژه‌ی ایشان خویش را وقف هستی‌اندیشی تمام‌وقت می‌کنند و آنچه را به‌راستی دیدنی است می‌بینند؛ آنها هستی را می‌بینند، آن ناجنبه را:

من

در

سبزه‌زاری

گریان

می‌دوم

خواب‌هایم را

ترانه‌ای

می‌آشوبد

دهان تو

خواب

را

خیس

می‌کند

می‌آشوبد:

-دهان به دهان

می‌چرخد

آسیاب.

شاعر خواب آشفته از اشعار هستی اشعاری می‌سراید پر از جنبش پر شدنش (Werden) آنچه ناچنیده می‌نماید یعنی هستی که همیشه گویی به جای خود ایستاده.

مجموعه‌ی کنونی از شدنش عالم هستی، از شدنش هستنده‌ها، سرایش‌ها خواهد داشت، چرا که توسط شاعری اشعار شده که سخت پایبند هستی ست. شعرهای این مجموعه نبض بی‌امان هستی را در دست گرفته و برایمان از چونی‌ی شدنش آن می‌گوید. چنانکه هراکلیتوس از افسوس ما را می‌گوید:

Ψυχρά θρέται, θερμά ψύχεται, ὑγρὰ αὐαίνεται,
καρφαλέα νοτίζεται
سردها گرم می‌شوند، گرم‌ها سرد، ترها خشک می‌شوند و خشک‌ها
مرطوب.
امید که با این اشعارهای پالوده جان آشناتر کنیم با هستی‌مان،
شدش‌مان.

ابراهیم رنجبر
۱۱ دسامبر ۲۰۱۴